

به مناسبت سالروز قتل ناجوانمردانه دکتر شاپور بختیار

ششم اوت؛ سالگرد رویارویی جمهوری اسلامی با خردورزی
یاد و میراث دکتر شاپور بختیار، بیش از هر زمان دیگری برای امروز ایران و مسیر پیش روی آن،
معنا و درس‌هایی تازه دارد. مرور زندگی و آرمان‌های بختیار در شرایط کنونی، گویای عمق نگاه
او به بحران‌های فراروی کشور و راه برون رفت از آنهاست.

دکتر بختیار در روزهای بحرانی سال ۱۳۵۷، به روشنی هشدار داد که جریان مقابل، با «برنامه‌های
حساب شده» به دنبال نابودی ایران است و او برای مقابله با این خطر و پاسداری از قانون اساسی و
تمامیت کشور ایستاده است. متأسفانه، پیش‌بینی‌های او درباره سرنوشت ایران و به حاشیه رانده شدن
آرمان‌های مشروطه، به واقعیت پیوست و ما امروز شاهد این هستیم حکومتی که پس از او بر ایران
مسلط شد، با سرکوب مخالفان، نقض آشکار حقوق بشر و انزوای بین‌المللی، کشور را با چالش‌های
عمیقی روبه‌رو کرد که ایرانمان را به نابودی و جنگ‌های ویرانگر کشانده است.
قتل بختیار و کتیبه، در واقع ارتکاب جنایتی با پیش‌فرض نابودی عقلانیت در فضای عمومی بود؛
پیامی که به تمام کنشگران سیاسی، روشنفکران و ملی‌گرایان میرساند: خردورزی و نقد، در این
نظام، جرمی نابخشودنی است.

این رویارویی با عقلانیت، ریشه در بنیادهای ایدئولوژیک نظامی دارد که برای بقای خود، به تخریب
هرگونه نظام معرفتی جایگزین نیازمند است. نظامی که مشروعیت خود را از حقیقتی مطلق و
غیرقابل نقد می‌گیرد، نه می‌تواند فضایی برای ارائه استدلال‌های رقیب فراهم آورد و نه صدای عقل
را تحمل کند.

از این رو به خشونت دست می‌برد و با حذف فیزیکی صاحبان اندیشه، به دنبال مصادره فضاهای
عمومی برای بازتولید قدرت خویش است. آنچه حکومت جمهوری اسلامی در این سالیان بارها و
بارها نشان داده است: قتل، اعدام، سرکوب و زندان، تبعید و شکنجه بهای عقل و خردورزی است.

نمونه‌ی دیگری از دشمنی آشکار رژیم با خردورزی و ملی‌گرایانی که وطن برایشان همه چیز
است، قتل "خسرو علی‌کردی"، "هموند جبهه‌ی ملی ایران شاخه خراسان در دفتر کارش بود. این
جنایت، نشان داد که نه پاریس و نه مشهد، هیچ‌یک برای این نظام مصون نیستند و رژیم جدالی دائمی
با هر صدای عقلانی دارد.

سرکوب خونین اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دی و اعدام‌های پس از آن، استمرار همین شیوه است. نظامی
که پاسخگوی مطالبات مردم نیست، تنها راه را در سرکوب و حذف می‌بیند.

امروز که ملت بیدار ایران با حکومت جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم می‌کند و گرفتار جنگ و
انبوهی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است؛ اندیشه‌های بختیار؛ چراغی برای مسیر آینده
است.

اصول بنیادینی که او در طول حیات سیاسی خود بر آنها تأکید داشت، نه تنها کهنه نشده، بلکه حیاتی
تر از همیشه می‌نمایند: "باورش به حاکمیت قانون" تنها در حرف نبود. بختیار تا آخرین لحظات،

سنگر قانون اساسی مشروطه را خالی نکرد و بر حاکمیت ملت و نظامی مبتنی بر رأی آزاد مردم تأکید داشت. ایران امروز که تشنه عدالت و حاکمیت قانون است، بیش از هر چیز به بازگشت به این اصول نیاز دارد.

جدایی دین از حکومت (لائسیته یکی از محورهای اصلی اندیشه بختیار، بود. او به صراحت اعلام می کرد که نظامی با آمیختگی دین و حکومت، نمی تواند دموکراتیک باشد و راه پیشرفت را بر جامعه می بندد. امروز که ناکارآمدی و سرکوب های ناشی از این آمیختگی برای همگان آشکار شده، این اصل راهگشا بیش از پیش ضروری می نماید.

اتحاد و انسجام، یکی از ضرورت هایی بود که بختیار و نهضت او بر آن تأکید داشتند. او به درستی تشخیص داده بود که اپوزیسیون به جای تمرکز بر مبارزه با جمهوری اسلامی، گرفتار اختلافات داخلی و بحث های فرعی خواهد شد؛ پیش بینی که امروز نیز تا حد زیادی صادق است. بازگشت "اصل وحدت"، "با تکیه بر میراثی که بختیار از خود بر جای گذاشت، می تواند پاسخی به نیاز کنونی جامعه برای خروج از بحران باشد و سرمایه اعتماد عمومی را که برای هر تحولی ضروری است، بازسازی کند.

در نهایت، ترور بختیار و کتیه، تلاشی برای خاموش کردن صدایی بود که سال ها بر خطرات استبداد مذهبی و ضرورت بازگشت به هویت ملی و دموکراتیک ایران هشدار می داد. اما میراث فکری او و فداکاری اش، امروز بیش از هر زمان دیگری به عنوان نقش های برای آینده ایران، نه تنها زنده، بلکه حیاتی است؛ آینده ای که در آن آزادی، قانون، عدالت و لائسیته، بنیانی برای کشوری آباد باشد.

در سالگرد قتل شاپور بختیار و سروش کتیه، بار دیگر بر این حقیقت تأکید می کنیم که "مسیر آزادی، از گذرگاه عقلانیت، شجاعت در نقد و پافشاری بر حقوق بنیادین بشر میگذرد." نظامی که برای بقای خود به حذف فیزیکی اندیشمندان و فعالان حقوق بشر روی آورده، در بن بست معرفتی و اخلاقی گرفتار آمده است. این بن بست، نه نشانه قدرت، که نشانه اضطراب و درماندگی یک نظام در مواجهه با صدای عقل است.

ترور بختیار، تلاشی برای خاموش کردن صدایی بود که سال ها بر خطرات استبداد مذهبی و ضرورت بازگشت به هویت ملی و دموکراتیک ایران هشدار می داد. اما میراث فکری او و فداکاری اش، امروز بیش از هر زمان دیگری به عنوان نقشه ای برای آینده ایران، نه تنها زنده، بلکه حیاتی است؛ آینده ای که در آن آزادی، قانون، عدالت و لائسیته، بنیانی برای کشوری آباد باشد.

ما، در این سالگرد، ضمن گرامیداشت یاد و آرمان های شاپور بختیار و سروش کتیه، و نیز تمامی قربانیان سرکوب در ایران معاصر، بر ضرورت:

۱. "بازخوانی انتقادی میراث فکری بختیار" در تطابق با نیازهای امروز جامعه ایران.

۲. افشای مستمر و نظام مند الگوی ترور و سرکوب جمهوری اسلامی "در محافل بین المللی .

۳. بازسازی سرمایه اجتماعی و اعتماد ملی "بر پایه شفافیت ،مسئولیت پذیری و التزام به حقوق بشر،

تأکید می کنیم و اعلام می داریم که قتل ،ترور ،اعدام و سرکوب صاحبان اندیشه ،هرگز نتوانسته و نخواهد توانست راه آزادی و حقیقت را ببندد .میراث بختیار ،به مثابه چراغی در مسیر عقلانیت ، همچنان بر افق آینده ایران می تابد و نسل های امروز و فردای این سرزمین را به پافشاری بر آزادی ،عدالت و حاکمیت ملی فرا می خواند.

جبهه ملی ایران شاخه خراسان ،با تکیه بر میراث بختیار و تمامی آزادمردان این سرزمین ،بر ادامه راه مبتنی بر عقلانیت ،قانونگرایی و مبارزه مسالمت آمیز برای تحقق ایران آزاد و آباد پای می فشارد.

پاینده ایران

جبهه ی ملی ایران _شاخه خراسان

۶ اوت ۲۰۲۶ - ۱۵ مرداد ۱۴۰۵